

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



universität
wien

Faculty of Historical and Cultural Studies

داستان مادی فدن

معماری و زندگی و شهر
در کنار جوی در اصفهان صفوی

صفا محمودیان
با مقدمه مهر داد قیومی بیدهندی

سرشناسه	: محمودیان، صفا، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: داستان مادی فدن/ صفا محمودیان / با مقدمه‌ای از مهرداد قیومی‌بیدهندی.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه وین، انتشارات روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸ ص: مصور (بخشی رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۶۶۰-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: آبیاری -- ایران -- اصفهان -- کانال‌ها و نهرها
موضوع	: Irrigation canals and flumes -- Iran -- Esfahan :
موضوع	: رودها -- ایران -- اصفهان -- کانال‌کشی
موضوع	: Stream channelization -- Iran -- Esfahan :
موضوع	: جوی‌ها -- ایران -- اصفهان
موضوع	: Ditches -- Iran -- Esfahan :
موضوع	: مادی فدن
موضوع	: Mādi Fadan Ditch (Esfahan, Iran) :
شناسه افزوده	: قیومی‌بیدهندی، مهرداد، ۱۳۳۸ -، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ الف۹۲الف/ HD۱۷۴۱
رده بندی دیویی	: ۳۳۳/۹۱۳۰۹۵۵۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۷۱۲۶۶



داستان مادی فدن صفا محمودیان

طرح جلد: مرتضی آکوچکیان

صفحه‌آرا: هادی عادل‌خانی

ویراستار: فاطمه توانایی مروی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

چاپ: غزال صحافی: نبوت

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه سوم، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۸۵۳۷۳۰ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

ISBN: 978-964-334-660-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۶۶۰-۷



این کتاب با حمایت مالی دانشگاه وین و سرکار خانم عفت زبردی منتشر شده است.

Sponsored by the University of Vienna (Universität Wien)

فهرست

۹.....	تقریظ.....
۱۵.....	پیش‌گفتار.....
۱۷.....	مقدمه.....
۱۹.....	ساختار کتاب.....
۲۱.....	چیستی مادی.....
۲۱.....	۱. مادی و اصفهان صفوی.....
۲۴.....	گذر مادی.....
۳۱.....	شکل‌گیری شهر در کنار مادی.....
۳۱.....	۲. مادی فدن.....
۳۲.....	مسیر مادی.....
۶۱.....	نظام آب.....
۶۱.....	۳. هنجار مادی.....
۷۷.....	مادی به منزله عنصری شهری.....
۹۳.....	۴. عمارت و مادی.....
۹۴.....	مسجد، مدرسه، مقبره.....
۱۰۴.....	کاروان‌سرا، حمام.....
۱۰۷.....	یخچال، آسیاب، کارگاه کاغذسازی.....
۱۱۱.....	خانه، کاخ.....
۱۱۷.....	۵. بر لب مادی.....
۱۱۸.....	پل.....
۱۲۰.....	درخت.....
۱۲۳.....	منظر.....
۱۲۳.....	عریضه.....
۱۲۵.....	مؤخره.....
۱۲۹.....	فهرست منابع.....

۱۳۹.....	نمایه.....
۱۳۹.....	کسان.....
۱۴۰.....	جای‌ها.....
۱۴۴.....	مقاله‌ها.....
۱۴۴.....	نمایه انگلیسی.....

تقریظ

واقعیت‌ها چندان گسترده و گوناگون و رنگارنگ است که یکجا نظر کردن به همه آنها از توانایی مُدرکات ظاهری انسان بیرون است. گویی واقعیات عالم منشوری با پهلوهای بی‌شمار است و ما ناگزیر همیشه برخی از آن پهلوها را می‌بینیم. بسته به اینکه در کجا ایستاده باشیم، و جوهی از آن منشور را می‌بینیم و جوهی دیگر را نمی‌بینیم. گویی همیشه از پنجره‌ای به بیرون می‌نگریم: پنجره دیدگاهمان. اینکه بر وجود این پنجره و حدود آن واقف باشیم یا نه، در این حقیقت که از پنجره می‌نگریم اثر نمی‌گذارد. حتی اگر منکر نگاه از پنجره‌ای باشیم، همچنان از پنجره می‌نگریم و چیزهایی بیرون از پنجره ما قرار می‌گیرد. می‌توانیم در این بحث کنیم که پنجره‌هایی که ما اختیار می‌کنیم خود از کجا آمده است؛ چه کسانی آنها را ساخته‌اند؛ حدود آنها چیست؛ ... اینها همه پرسش‌هایی بجاست؛ اما همه اینها مسبوق به پذیرفتن وجود پنجره‌هاست: پنجره‌های دیدگاه.

هر دیدگاهی که به معماری یا شهر اختیار کنیم حقایقی را پیش چشم می‌آورد و حقایقی را از قاب پنجره‌مان بیرون می‌گذارد. پس آنچه در نقد دیدگاهی می‌شود گفت این نیست که چرا حقایقی را نادیده می‌گذارد؛ زیرا از این‌گیری نیست. مهم این است که آن حقایق نادیده

چقدر در کار و بار امروز ما، از جمله معماری و شهر، دخیل است. اگر معماری امروز ما دچار آسیب‌هایی است، آیا آن حقایق مغفول موجب تشدید آن آسیب‌ها می‌شود؟ اگر چنین باشد، باید آن پنجره را وانهاد و به سروقت پنجره‌ای دیگر رفت. بر این اساس، آنچه معیار انتخاب پنجره‌هاست این نیست که پنجره‌ای بیشتر متوجه خود معماری است و پنجره‌ای دیگر توجه ما را به حواشی معماری می‌گرداند. آنچه معیار ترجیح پنجره‌ای بر پنجره دیگر است مسئولیت اجتماعی در برابر وضع کنونی معماری است.

بسیاری می‌پرسند پرداختن به تاریخ معماری چه فایده‌ای دارد. اگر بپذیریم که هرچه در این جهان است تاریخی است، یا دست‌کم حیث تاریخی دارد، آنگاه پرسش از فایده پرداختن به تاریخ معماری با پرسش از فایده پرداختن به معماری و نظر کردن در معماری، آن‌چنان که در جهان تحقق یافته است، یکی است. به عبارت دیگر، پرسش «تاریخ معماری چه فایده‌ای دارد؟» با این پرسش برابر است که «نظر کردن به معماری آن‌چنان‌که در زمان و مکان تحقق یافته است چه فایده‌ای دارد؟». این پرسش را می‌شود به پرسش از فایده تجربه و اندیشیدن در کرده‌ها تحویل کرد و پرسید که آیا اساساً نظر کردن انسان در آنچه پیش‌تر کرده است برای کارهایی که در پیش دارد مفید است یا نه. کمتر کسی یافت می‌شود که در فایده تجربه برای آنچه انسان می‌کند تردید داشته باشد. به گمان نگارنده، اگر در پرسش فایده تاریخ معماری تأمل کنیم، خواهیم فهمید که مقصود ما پرسش از فایده این دیدگاه و آن دیدگاه در تاریخ معماری است. به عبارت دیگر، فایده اصل و کلیت پرداختن به تاریخ معماری محل تردید نیست؛ آنچه محل تردید است فایده دیدگاه‌های متعارف ما در تاریخ معماری است. اگر هر دیدگاهی چیزهایی را پیش چشم می‌آورد و چیزهای دیگری را از چشم پنهان می‌دارد، برای نظر کردن به آنچه از معماری در عالم تحقق یافته است، یعنی برای نظر کردن به تاریخ معماری، کدام دیدگاه را اختیار کنیم تا آنچه پیش چشم ما می‌آورد برای کار و بار امروز معماری ما مفیدتر

باشد و آنچه از چشم ما پنهان می‌دارد آسیب کمتری در پی داشته باشد؟ انسان‌ها هزاران سال در این کرهٔ خاکی برای خود مکان مصنوع ساخته‌اند: معماری کرده‌اند، شهر ساخته‌اند. بسیاری از بناها و زیستگاه‌ها را مردمی ساخته‌اند که آموختهٔ معماری نبوده‌اند. بسیاری از بناها را هم کسانی ساخته‌اند که در طی سالیان، معماری را پیشهٔ خود کرده بودند. بیشتر ساخته‌های انسان در طی سده‌ها و هزاره‌ها تا پیش از روزگار جدید با طبیعت سازگار بود؛ وصله‌ای ناساز بر آن نبود. اگرچه دانش ما دربارهٔ معماری سرزمین خودمان هنوز چندان نیست که بتوانیم دربارهٔ داوری مردمان گذشته در خصوص معماری‌شان داوری کنیم، چنین می‌نماید که آثار معماری و شهر نه تنها با طبیعت، بلکه با انسان‌ها و جسم و روان و جانشان نیز سازگار بود؛ خواسته‌های ایشان را برمی‌آورد؛ کارآمد و زیبا بود. در مقابل، بسیاری از ساخته‌های انسان در چند سدهٔ اخیر با طبیعت ناسازگار است و به آن آسیب زده است؛ کارها و نیازهای انسان را بر نمی‌آورد؛ زیبا نیست. دست‌کم این قدر می‌نماید که مردمان قدیم از بناها و شهرهایشان خشنودتر از مردمان امروز بودند. پیش‌تر، بناها و شهرها را یا مردم عادی می‌ساختند، یا کسانی که از دل مردم برمی‌آمدند و پیشهٔ معماری اختیار می‌کردند و آن را در طی سنوات می‌آموختند و خود را خادم انسان‌ها می‌شمردند. آنان با نیازها و خواسته‌های انسان‌ها بار می‌آمدند و در دل زندگی آنها معماری می‌کردند. حتی معماری برای اشراف نیز از طبیعت و جامعه منقطع نبود. امروز آرزوی معماران طراحی مجسمه‌هایی قابل استفاده در میانهٔ چمنزارهای گسترده است که در آنها بتوانند «حس» خود را بیان کنند. چون کمتر به این آرزو می‌رسند، سرخورده به دست بادهای زمانه می‌افتند و بر پریشانی محیط و آشفته‌گی زندگی درونی و بیرونی انسان‌ها می‌افزایند.

نظر کردن به تجربهٔ انسان‌ها در ساختن مکان مصنوع — یعنی پرداختن به تاریخ معماری — می‌تواند ما را در رهایی از این بحران یاری کند. اما برای این نظر کردن، کدام پنجره را اختیار کنیم؟ پنجره‌هایی را اختیار کنیم که معماران گذشته را، همچون معماران امروز، تافته‌هایی

جدابافته می‌نماید و پیوستگی آنان را با جامعه نادیده می‌گیرد؟ پنجره‌هایی را اختیار کنیم که معماری و شهر را منقطع از سیاق و بستر اجتماعی و فرهنگی آنها جلوه می‌دهد و معماران را فعالان مایشاء و هنرمندان بیانگر می‌نماید؟ آیا چنین پنجره‌هایی، یعنی آنچه در آنها نادیده گرفته می‌شود، بر معضلات معماری امروز ما نمی‌افزاید؟

انسان‌هایی که سده‌ها پیش در کنار زاینده‌رود مستقر شدند از زیستن در آن مکان و گفتگو با زمین و آسمان دریافتند که باید مکان زیست خود را با فاصله‌ای از رودخانه بنا کنند. آموختند که بیشتر زمین‌های کنار رودخانه قابل کشت نیست و زمین‌های قابل کشت آن سرزمین از رودخانه فاصله دارد. آموختند که باید آب رودخانه را با جوی‌های طبیعی یا دست‌ساز، که آن را «مادی» خواندند، به آن زمین‌ها برسانند. برخی از باغ‌ها و زمین‌های زراعی در آن سوی شهر قرار داشت و ناگزیر مادی‌ها بایست از شهر می‌گذشت تا به زمین‌ها برسد. مادی موجودی بود که بایست در شهر با آن می‌زیستند. در آن روزگار، که معماران به دنبال «بیان» احوال شخصی خود نبودند، مردم به همه چیز به منزله موضوع زندگی می‌نگریستند و در طی زمان، برای بهره گرفتن معنوی و مادی از موجوداتی که به هر نحو در محل زندگی‌شان وجود داشت، یا به جهتی خواسته یا ناخواسته به آن افزوده می‌شد، بهترین راه‌ها را می‌یافتند. این‌چنین بود که مردم اصفهان، از عالم و عامی، از شریف و وضع، در طی سده‌ها مادی‌ها را به جزئی از شهر اصفهان بدل کردند. مادی همچنان وظیفه اصلی‌اش — آبرسانی به زمین‌های زراعی — را در نهایت دقت و انضباط انجام می‌داد؛ اما آن‌چنان در شهر و معماری و زندگی تنیده شد که اصفهان را بدون مادی نمی‌توان بازشناخت.

نویسنده این کتاب بر مادی‌ها، به‌ویژه یکی از آنها — مادی فدن — تمرکز کرده و کوشیده است نشان دهد که مردم اصفهان چگونه با مادی زیسته‌اند. او شواهد گوناگون زندگی با مادی و در کنار مادی را جستجو و وارسی کرده و نشان داده است که ساختن مادی و ساختن و زیستن با مادی

و در کنار مادی چه نتایجی داشته است. گذشته از نتیجه این تحقیق، مسیر آن نیز از حیث طرز یافتن شواهد مادی و متنی تاریخ معماری و رفتار با آنها بسیار آموزنده است: اینکه محقق چگونه در نهایت دقت همه شواهد میدانی و متنی را جسته و گرد آورده، چگونه اعتبار آنها را واریسیده، و در نهایت، چگونه آنها را به هم عرضه و سپس در سخنی منسجم جمع کرده است. به فضل خدا امیدوارم رفته رفته چنین کارهایی هم افق‌هایی تازه به روی معماری ما بگشاید، و هم تصور راکد و ایستا از تاریخ معماری و شهر را در ایران دگرگون کند.

مهرداد قیومی بیدهندی

تهران، دانشگاه شهید بهشتی

فروردین ۱۳۹۴